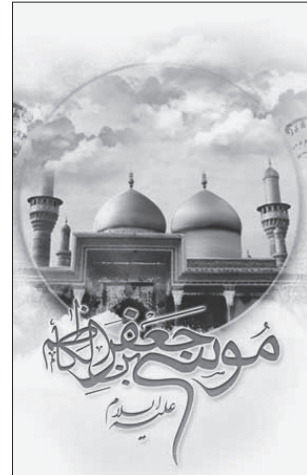




۱ دی:

ولادت حضرت امام

موسی کاظم (علیه السلام)

موسم حج بود. عده‌ای از شیعیان به مدینه رفتند و خدمت حضرت رسیدند. امام با مهربانی از آنها پذیرایی کرد و فرمود: «ای عاصم! شما در پیوند و برادری با یکدیگر چگونه‌اید؟» عاصم که فکر می‌کرد با دوستانش بسیار صمیمی است، پس از لحظه‌ای پاسخ داد: «خیلی خوب هستیم.» حضرت نگاهش کرد و پرسید: «آیا چنین هستید که هرگاه یکی از شما هنگام نیازمندی به مغازه دیگری یا به خانه‌اش برود و کیسه دخل او را بیرون آورد و هر چه نیاز داشت، از آن بردارد، بدون آنکه کسی مانع او شود؟» عاصم با تعجب پاسخ داد: «نه!» امام فرمود: «پس آن گونه که من می‌خواهم، هنوز با یکدیگر پیوند و برادری ندارید.» نگاه افراد به امام بود و فکرشان مشغول کلامش.



۷ دی:

شهادت آیت‌الله حسین غفاری

ساواک بارها شهید غفاری را مورد بازجویی قرار داد اما هر بار با جواب‌های زیرکانه او مواجه می‌شدند. پرسیدند: «آیا شما اقدامات آیت‌الله خمینی را در مورد پخش اعلامیه و همچنین مخالفت با اصلاحات دولت مورد تأیید قرار می‌دهید یا خیر؟» آیت‌الله غفاری در پاسخ چنین نوشت: «امام حسن عسکری (علیه السلام) در ضمن گفتارش به امام زمان (علیه السلام) ضمن تعیین نائب عام، تمام مراجع را واجب‌الطاعة و رد قول آنان را رد قول خود قرار داده. هم حجتی علیکم و انا حجه... الراد علیهم کالراد علینا» مانده بودند که به او چه بگویند در مقابل چنین پاسخ دندان‌شکنی.



۱۴ دی:

اربعین حسینی

«به راستی مردم، همه دنیا پرستند و دین بر سر زبان آن‌ها آویزان است. تا دین برای آن‌ها وسیله زندگی است، آن را بر زبان‌ها می‌چرخانند. هنگامی که به بلا آزمایش شدند، دین‌داران کم خواهند بود. به راستی که من مرگ را جز زندگی ابدی و زندگی را در این جهان با ستمگران جز بدبختی نمی‌بینم. راستی این دنیا دگرگون و ناشناس شده و خوبی‌هایش رفته و چیزی از آن باقی نمانده، مگر ته مانده‌ای که بر ته کاسه نشیند و جز زندگی بی‌ارزش همچو چراگاه خطرناک... مگر شما نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند و از باطل دست نمی‌کشند. در چنین حالی باید مؤمن دل به مرگ ببندد و به دیدار پروردگار رغبت کند.» سخنان امام حسین (علیه السلام) هنگام حرکت به سوی کربلا، هنوز هم جای تأمل دارد.

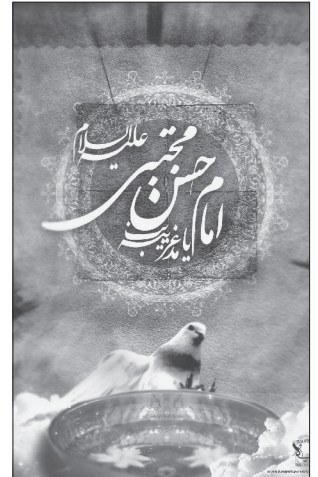


۲۰ دی:

شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر

صندوق‌ها را در حضورش گذاشتند و گفتند: «حضرت امیر به سلامت باد، ما افتخار داریم که از سوی محمدرحیم خان، شایسته‌ترین احترامات را به همراه این هدایا تقدیم شما نماییم.» امیر نظام نگاهی به صندوق‌ها کرد و پرسید: «درون این‌ها چیست؟ وقتی آن‌ها را به اینجا آوردید، احساس کردم چیزهای سنگینی هستند.» مرد لبخندی زد و گفت: «بله قربان. صندوق‌ها محتوی بهترین ظروف مسی خوی هستند و شامل قاب و قند و دوری و کاسه و نمکدان برای مهمانی‌های با شکوه شما فراهم شده است. بر روی آن‌ها نیز نقش‌های بسیار زیبا حک شده است.» جلو رفتند و خواستند در صندوق‌ها را باز کنند که امیر فریاد زد: هرگز! مرد قدمی عقب رفت و سکوت کرد. امیر با صدای بلندی گفت: «این صندوق‌ها را به خوی باز گردانید. ضمناً به محمدرحیم خان نسقچی باشی بگویید که برای من بنویسد پول خرید این مس‌ها را از کجا آورده است.»



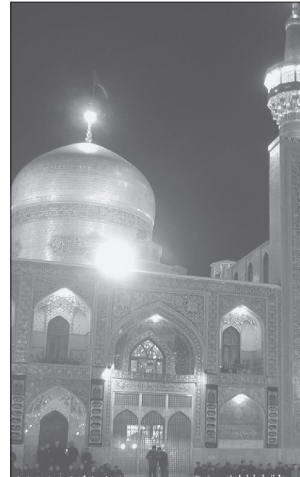


۲۲ دی:

رحلت پیامبر اکرم ﷺ و

شهادت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)
هنوز مدتی از صلح امام حسن با معاویه نمی‌گذشت. امام حسن (علیه السلام) در نخیله نشسته بود و معاویه نیز حضور داشت. معاویه رو به حضرت کرد و گفت: «رسول خدا، خرمای درخت را به صورت تخمینی معلوم می‌کرد. آیا تو هم از این علم بهره‌مندی؟ شنیده‌ام که شیعیان می‌گویند از آن‌چه در زمین و آسمان‌هاست، با خبری.»

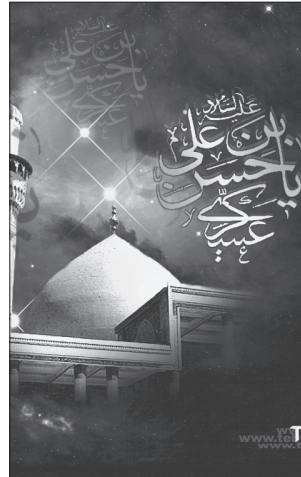
امام با مهربانی فرمود: «جدم رسول خدا، خرمای درختی را از لحاظ وزن و کیلو تخمین می‌زد چون از او اینطور می‌خواستند؛ اما من خرمای درختی را از نظر عدد تخمین می‌زنم.» معاویه با تعجب امام حسن (علیه السلام) را نگاه کرد و پس از لحظه‌ای گفت: «اینک بگو تعداد خرمای این درخت چقدر است؟» امام بی‌درنگ فرمود: «چهار هزار و چهار عدد خرما دارد.» معاویه دستور داد همه خرماهای درخت را چیدند و شمردند. عدد همان بود. امام حسن (علیه السلام) رو به معاویه فرمود: «ای معاویه! به خدا سوگند تو این‌زیاد را به ریاست دعوت خواهی کرد. سرباهی را از شهرها به نزد تو می‌آورند... ما آن‌چه را در شب و روز واقع می‌شود، می‌دانیم.»



۲۳ دی:

شهادت امام رضا (علیه السلام)

مردی نزد امام آمد و پرسید: «آیا پروردگار شما می‌تواند زمین و آسمان را در یک تخم مرغ جا دهد، طوری که نه جهان کوچک شود و نه تخم مرغ بزرگ‌تر گردد؟» حضرت با آرامش فرمود: «پروردگار من، شبیه این کار را انجام داده است و جهان پهناور را در مردمک چشم قرار داده است. در حالی مردمک دیده‌ات کوچک‌تر از یک تخم مرغ است تا وقتی بگشایی آسمان و زمین را و آن‌چه ما بین آن‌هاست، همه را به خوبی مشاهده می‌کنی. این خود نمونه قدرت خداوند است. جلو دیده‌ات را تا آن اندازه وسیع قرار داده که مردمک چشم تو با آن همه کوچکی، همه آسمان و زمین و آن‌چه در آن‌هاست را به آسانی می‌بیند و او قادر بود دیدگانت را کور و نابینا کند.»



۲۴ دی:

شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)

ابوحمزه بارها دیده بود که حضرت با غلامان ترک و رومی و شهرهای دیگر به زبان خودشان صحبت می‌کند. روزی مثل روزهای دیگر دید که حضرت با غلامش به زبان او سخن می‌گوید. تعجبش بیشتر شد و در دل گفت: امام عسکری در مدینه به دنیا آمد و تا هنگام رحلت پدرش، به جایی سفر نکرده. نزد کسی هم این زبان‌ها را نیاموخته؛ پس چگونه است که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گوید؟ هنوز در فکر بود که حضرت فرمود: «خداوند حجت خود را در همه چیز بر سایر مردم برتری داده، از این رو امامان به همه زبان‌ها و نژادها آگاهند و همه حوادث و پیش‌آمدها را می‌دانند. اگر چنین نبود، بین پیشوایان الهی و سایر مردم فرقی نبود.»